

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ایوان گلوبنیچی (Ivan GOLUBNICHY)
برگردان: ا. م. شبیری
۰۴ سپتمبر ۲۰۲۳

شوروی ستیزی، فاجعه انتخاب غلط



نقاش: انیسه رحمان اوا

مدت‌هاست گفته می‌شود که در زمان ما سطح شایستگی تقریباً در تمامی زمینه‌های زندگی به طرز وحشتناکی افت کرده است (به استثنای حوزه‌هایی که مستقیماً امنیت و حاکمیت دولت را تضمین می‌کنند، اگرچه هر از گاهی موقعیت‌هایی پیش می‌آید که این ایده را تأیید می‌کند). این امر به ویژه در حوزه‌های بشردوستانه بسیار مشهود است (علوم انسانی، آموزشی، فرهنگی و غیره). برای این که این حوزه برای فحاشی و دروغ‌پردازی در دسترس‌ترین است. لیبرال‌های دژخیم وضعیت فکری، معنوی، فرهنگی و اخلاقی مردم ما را به معنای واقعی کلمه فلج کردند. از طریق تحریفات مختلف، با حقه کردن افسانه‌های بی‌شمار ضد تاریخی، ضد علمی و اغلب آشکارا جنون‌آمیز، آگاهی جمعی یک جهان‌بینی کامل را از بین بردند.

با وجود این که در دو دهه اخیر چرخش آشکاری به سمت رد تعصبات لیبرالی و بازگشت به ارزش‌های ملی سنتی در دولت و جامعه روی داده، اما این وضعیت همچنان بدتر می‌شود. دلایل بدتر شدن وضعیت این است که **لابی لیبرال**

اهرم‌های نفوذ خود را در همه سطوح حفظ کرده و به کارشکنی در بهبود فکری و اخلاقی توده‌های عظیم روسیه چند ملتیتی و بالاتر از همه، مردم روس به عنوان یک ملت دولت‌ساز ادامه می‌دهد.

شوروی‌ستیزی جاهلانه و عهدعتیقی و تاریک‌بینی که امروزه در بخش قابل توجهی از علوم انسانی و آموزشی جا افتاده، همان عوامل اصلی هستند که روحیه مردم را تضعیف می‌کنند.

کنشگران لیبرال با بهره‌برداری از نیاز طبیعی مردم به مذهب، از این ویژگی برای تعمیق شکاف در جامعه ما و همچنین، برای القاء نفرت به اذهان نسل‌های جوان نسبت به دوره شوروی تاریخ ما استفاده می‌کنند.

لابی لیبرال با استفاده از دستکاری، دست زدن به تحریف و جعل آشکار تاریخ، ایده‌های بدوی و عمیقاً نادرست در مورد دوره سوسیالیستی تاریخ روسیه را به مردم تحمیل می‌کند، به رهبران دولت اتحاد شوروی تهمت می‌زند و در عین حال، از «روسیه تزاری که ما باختیم»، اسطوره می‌سازد. در نتیجه این فعالیت‌های خرابکارانه، ممکن است مسیر تاریخی ما دوباره در مسیر اشتباه قرار گیرد. همانطور که در پایان قرن گذشته، در دوره به اصطلاح «نوسازی» (پرسترویکا) اتفاق افتاد.

مشکل وجودی روسیه معاصر این است که با رها کردن جهت حرکت لیبرال به طور کلی، نتوانستیم این کار را به شکل اصولی و بدون قید و شرط انجام دهیم. نتوانستیم چون نمی‌خواستیم. این امر دوگانگی جهان‌بینی کنونی یا آنچه را که می‌توان ایدئولوژی نامید، نشان می‌دهد (البته با استفاده از این اصطلاح مشروط و با آگاهی کامل از این شرطی بودن). ما ضمن رد ارزش‌های غربی در حرف، همچنان با نظام این ارزش‌ها زندگی می‌کنیم. البته سخن نه از دستاوردهای مادی جهان غرب (هر چند این جنبه مشکل بسیار مهم است)، بلکه قبل از همه، در مورد ساختار مختصات وجودی در میان است. تمجید ثروت و «موفقیت» به هر قیمتی؛ به اصطلاح «تعامل» به عنوان بی‌شکلی اخلاقی؛ اولویت واقعی مادیات بر معنویات؛ بدبینی که به معنای واقعی کلمه «فرهنگ جریان اصلی» امروز را فراگرفته است؛ رد تهاجمی سنت به عنوان قدیمی و غیره- برای مدت طولانی، مردم ما همه این‌ها را از طریق فرهنگ توده‌ئی غربی که به طور نظام‌مند از اواخر دوره شوروی وارد آگاهی جمعی آن‌ها شده، جذب کرده‌اند.

راه برون رفت از این وضعیت کدام است؟ پاسخ قانع کننده‌ای وجود ندارد. صادقانه‌ترین گزینه، یک گزینه صفر فوق‌العاده است که در آن مردم ما به خود می‌گویند: «در سال ۱۹۹۱، در نتیجه خیانت منحرفان حزبی، ما در مسیر اشتباه قرار گرفتیم و به ما امکان داد تا دولت بزرگ سوسیالیستی- بالاترین نقطه در توسعه تمدن روسیه را نابود کنیم. ما در واقع به آرمان‌های پدران و پدربزرگانمان خیانت کردیم و بهای گزافی هم به ازای آن پرداختیم. این مسیر نادرست ما را به بن‌بست هستی‌شناختی و ارزشی سوق داده است که راه خروج از آن امروز حتی در چشم‌انداز نیست. بر این اساس، به نقطه آغازی که اشتباه ما از آن شروع شده، برمی‌گردیم و از این نقطه، مسیر را از نو در پیش می‌گیریم». اما، از آنجائی که چنین گزینه‌ای به دلایل بی‌شمار امکان‌پذیر نیست، ما فقط به روسیه، به مردم روسیه و به مأموریت بزرگ آن‌ها، البته، با آمادگی برای «آزمون و خطا»ی جدید و همچنین هزینه‌های مرتبط با آن‌ها ایمان داریم...

منبع: وب‌سایت کامرتون

۱۲ شهریور-سنبله ۱۴۰۲